

چگونه واگذار کنیم؟

مشکلات موجود در فرایند واگذاری و آماده‌سازی شرکت‌های دولتی برای واگذاری به بخش خصوصی

یونس سام دلیری



○ اشاره

تبصره ۳۵ قانون بودجه سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ واگذاری واحدهای دولتی را به بخش خصوصی تجویز کرده و تاکنون یک مرحله از تجربیات نه‌چندان موفق در این زمینه را پشت‌سر گذاشته‌ایم. اما از جمله اقدامات اخیر در این راستا، تغییر نام و وظایف «سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی» به «سازمان خصوصی سازی» است. با توجه به این‌که این سازمان از چندی پیش رسماً کار و وظایف جدید خود را شروع کرده و به نظر می‌رسد که مرحله تازه‌ای از تجربه در زمینه خصوصی سازی را در پیش‌رو داریم، لذا به بحث درباره مشکلات و چگونگی زمینه‌سازی برای واگذاری موفقیت‌آمیز شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی می‌پردازیم. بانک و اقتصاد

مقدمه

امروزه بر همگان روشن است که برای تحقق هرگونه فرآیندی، فضای حاکم بر کشور و عوامل طبیعی مؤثر بر آن نقش عمده‌ای دارند و می‌توانند موفقیت یا عدم موفقیت یک فرآیند را مسجل سازند. در این چارچوب، موفقیت فرآیند

خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، به ایجاد فضای مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در بخش خصوصی بستگی دارد. در چنین شرایطی، به‌خصوص هنگامی که جریان سوق دادن نقدینگی جامعه از بخش‌های خدمات سودآور به بخش صنعت و معدن مطرح است، بایستی اولاً، نظام ارزشی جامعه به‌گونه‌ای طراحی شود که داشتن مالکیت‌های تولیدی ارزش تلقی شود و ثانیاً، شاخص‌های حاکم بر سیستم اقتصادی نشان‌دهنده ثبات لازم در سیاست‌های اقتصادی کشور باشد. هم‌چنین، لازم است که برای ایجاد فضای مناسب، کارگزاران نظام به‌درستی برای تحقق سیاست مقررات‌زدایی آموزش ببینند. اصلاحات لازم در قوانینی که نظام اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده و تحرک بخش خصوصی را آسیب‌پذیر می‌سازند، همراه با نظارت دولت الزامی است.

باید در نظر داشت که خصوصی کردن شرکت‌های دولتی به‌خودی خود یک هدف نیست، بلکه ابزاری در جهت تحقق سایر اهداف اقتصادی است. این ابزار در هر کشور در چارچوب ویژگی‌های فرهنگی و اهداف آن کشور مسیر مختص به‌خود را طی

می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان اظهار داشت که تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی در خلاء اتخاذ و به‌اجرا گذاشته نمی‌شوند و پس از اجرا نیز در تمامی شرایط، زمان‌ها و مکان‌ها دارای پیامدهای یکسانی نمی‌باشند.^۱

برنامه خصوصی سازی و تبعات آن

بعضی از کشورها برنامه خصوصی سازی خود را با فروش واحدهای دولتی بزرگ و با کارایی پایین شروع کرده‌اند. این امر مستلزم طراحی و سازوکارهای تأمین مالی است که بعضاً نیاز به ایجاد یا اصلاح قوانین مربوطه دارد و معمولاً کاهش نیروی پرسنلی در این واحدها ایجاد حساسیت می‌کند. بعضی از شرکت‌های زیان‌ده آمریکای لاتین با خصوصی‌سازی و تجدید ساختار نوسازی به کمک منابع مالی خصوصی، به سودآوری رسیده‌اند و برخی از آنها تعطیل شده‌اند، اما تجربیات عده‌ای دیگر از

کشورها نشان داده است که فروش شرکت‌های زیان‌ده دولتی به بخش خصوصی جذاب نبوده و باعث کاهش سرعت فروش دارایی‌های دولتی می‌شود.

پیچیدگی قوانین - اعم از قانون تجارت، کار، مالیات و... - نیز موجب کندی کار می‌شود. از این گذشته، کارگران و کارکنانی که عضو شرکت‌های دولتی هستند، در مقابل خصوصی‌سازی مقاومت می‌کنند. از طرفی دیگر، رشد سریع سایر بخش‌ها موجب کمبود کارگران ماهر و مدیران مناسب می‌شود و این امر باعث می‌شود که بخش خصوصی نتواند فعالیت خود را بر روی شرکت‌های دولتی متمرکز کند. این عوامل نیز می‌توانند روند خصوصی‌سازی را کند کنند. بنابراین، خصوصی‌سازی فقط یک جزء از تقویت بخش خصوصی و اصلاح بخش دولتی است. این بدان معنی نیست که دولت سعی کند فرآیند خصوصی‌سازی را تا آخرین جزئیات طراحی کند، زیرا این امر اغلب نتیجه معکوس می‌دهد.

همچنین، کسب سود از واگذاری نباید اولویت اول دولت باشد. از بین بردن انحصارات و افزایش رقابت و حمایت از مصرف‌کنندگان در چارچوب مقررات، بر کسب سود رجحان دارد. از جمله موارد دیگری که باید در امر واگذاری شرکت‌های دولتی در مدنظر قرار گیرد، بهسازی مدیریت واحدهای تولیدی است. این امر ممکن است سبب شود که به جای توزیع گسترده سهام، درصد بالایی از سهام به مالکیت معدودی واگذار شود که دارای انگیزه قوی برای کنترل و اداره یک شرکت باشند.

دولت باید به‌عنوان مالک شرکت‌های دولتی نقش اساسی را در توسعه اصول و استراتژی خصوصی‌سازی ایفا کند. در این راستا، دو عامل عمده بر استراتژی واگذاری‌ها و نتایج آن می‌تواند تأثیرگذار باشند که عبارتند از ۱- شرایط کشور، ۲- ماهیت بازار از نظر رقابتی.^۲

از سوی دیگر، عملکرد خصوصی‌سازی در سطح کشور در چند ساله اخیر تبعات متفاوتی داشته است. در بعضی موارد دولت موفق عمل کرده و در بسیاری از موارد متأسفانه ناموفق بوده است. از جمله موارد ناموفق غالب شرکت‌های نساجی در سطح کشور می‌باشند و مورد نساجی قائم‌شهر و چیت‌سازی بهشهر، مصداق بارزی از این نمونه‌ها هستند که در شرایط کنونی با مشکلات عدیده‌ای مواجهند.

اگر بخواهیم علت این مشکلات را در

سطوح کلی و به‌صورت کلان عنوان کنیم، بدین شرح می‌باشند:^۱ ۱- مسایل و مشکلات ارزی حاکم بر اقتصاد کشور در سال‌های اخیر، ۲- نظام قیمت‌گذاری سهام در بورس اوراق بهادار تهران، ۳- سیاست‌های پولی و مالی دولت که در سال‌های اخیر نوعی سردرگمی برای شرکت‌ها ایجاد کرده است، ۴- عدم مقررات‌زدایی به شکل صحیح (اگر چه در این زمینه اقداماتی صورت گرفته است)، ۵- مسایل تثبیت قیمت‌ها که به نوعی مشکل عمده‌ای بر سر راه فعالیت اینگونه شرکت‌ها ایجاد نموده است، ۶- قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات به نوعی دیگر، ۷- مشکلات مربوط به اشتغال نیروی کار اینگونه واحدها، و قس علیهذا.

و اما مشکلات اینگونه واحدها در سطوح خرد می‌تواند بدین شرح باشد:

○ خصوصی کردن شرکت‌های دولتی به خودی خود یک هدف نیست، بلکه ابزاری است در جهت تحقق سایر اهداف اقتصادی.

○ کسب سود از واگذاری نباید اولویت اول دولت باشد، بلکه از بین بردن انحصارات و افزایش رقابت و حمایت از مصرف‌کنندگان بر کسب سود رجحان دارد.

الف - تغییر مالکیت شرکت‌های دولتی از طریق بورس، مذاکره، مزایده نتوانسته است هدف‌های اولیه را برآورده سازد. در بیشتر موارد هم تغییر مدیریت و ساختار شرکت به گونه‌ای که بتواند کارایی را بالا ببرد، اتفاق نیفتاده است.

ب - علی‌رغم اینستکه فلسفه اولیه خصوصی‌سازی در کشور، همانا بهبود راندمان بلندمدت شرکت‌ها از طریق انتقال به بخش خصوصی بوده است، اما عملکردها نشان داده که واگذاری این‌گونه واحدها تا حدی متمایل به طرف جذب درآمد بوده است.

پ - هیچ تغییر بنیادینی در مدیریت واحدها اعمال نشده است. اکثر مدیران قبلی، همان مدیران هستند، پاداش آنها هنوز به کارایی‌شان ارتباطی ندارد و لذا استراتژی اعمال شده در واحدها نظر می‌رسد که تغییر اساسی نکرده است.

ت - واحدهای تولیدی مانند شرکت‌های

نساجی به دلیل مشکلات مالی و اعتباری قادر نبوده‌اند که همراه با اوضاع و احوال جهانی، تکنولوژی و ماشین‌آلات روز را بکار بگیرند. این عامل نقش بسزایی در رکود فعالیت‌های اینگونه واحدها داشته است و غالب ماشین‌آلات هم مربوط به گذشته‌های دور می‌باشند که بیشتر آنها مستهلک شده‌اند.

ث - بعضی از شرکت‌های واگذار شده با مشکل زیان انباشته مواجه شده‌اند و عملکرد آنها نشان می‌دهد که در گذشته نیز با مشکل زیان مواجه بوده‌اند و از آنجایی که دولتی بوده‌اند، از محل بودجه عمومی تأمین زیان می‌شده‌اند که در حال حاضر، این امکان برای این واحدها وجود ندارد.

اهم مشکلات موجود در فرآیند واگذاری سهام واحدهای دولتی و وابسته به دولت^۳

۱- نبودن فضای مناسب اقتصادی به منظور ترغیب سرمایه‌گذاران به خرید سهام واحدهای تولیدی دولتی و وابسته به دولت؛ در جریان انتخاب خریدار هیچگونه بررسی در مورد قابلیت‌های فنی و صنعتی متقاضی خرید انجام نمی‌شود که این خود یکی از نقایص فرآیند خصوصی‌سازی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که به‌منظور تحقق هدف مربوط به افزایش کارایی، انجام این امر ضروری باشد که طبیعتاً نیاز به فضا سازی و قانونمندی خاص خود دارد.

۲- عدم تحرک نظام نظارتی و فقدان مرکزیت مناسب برای سیاست‌گذاری و نظارت و عرضه اطلاعات مربوط به فرآیند خصوصی‌سازی.

۳- عدم مشارکت نهادهای مالی در فرآیند واگذاری سهام واحدهای دولتی و وابسته به دولت با توجه به مشکلات مربوط به بازار سرمایه؛ عدم دخالت مؤسسات مالی در فرآیند خصوصی‌سازی و فقدان نظام نظارتی مناسب که منطبقاً در حیطه اختیارات وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار می‌گیرد، عملکرد مطلوب فرآیند خصوصی‌سازی را با دشواری روبرو می‌سازد و سازمان‌های واگذارنده را به طرف فروش واحدهای تحت پوشش خود به مؤسساتی می‌کشاند که به نحوی مرتبط به دولت و یا سیستم بانکی بوده و یا نهادهایی که حاشیه اطمینان لازم را ایجاد می‌نمایند.

۴- فقدان پشتیبانی قضایی و حقوقی مورد نیاز در فرآیند واگذاری؛ در ایران شاید بزرگترین مانع در راه قیمت‌گذاری سهام، عدم پشتیبانی

سیاسی، قانونی و قضایی لازم از واحدهایی باشد که مسوولیت قیمت‌گذاری سهام را به عهده دارند. در کلیه کشورهای جهان در جریان فرآیند واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی مجریان خصوصی‌سازی همواره تحت دو اتهام کلیدی قرار دارند: عده‌ای آن‌ها را متهم به گران‌فروشی و تضعیف سیاست‌های اقتصادی دولت می‌کنند، و عده‌ای دیگر آنها را متهم به ارزان‌فروشی و حراج بیت‌المال می‌کنند. در غالب این کشورها سعی می‌شود که گروه‌های مجری فرآیند خصوصی‌سازی تحت پشتیبانی سیاسی و قانونی لازم قرار گیرند تا به دور از فساد و جو فشار بتوانند فعالیت خود را تعقیب کنند.

۵- نکته مهم دیگری که در جریان قیمت‌گذاری سهام وجود دارد، ابهام در مورد عملکرد گذشته شرکت و سود مورد انتظار آتی آن - با توجه به تغییر مکرر شاخص‌های اقتصادی، عملکرد گذشته شرکت در شرایط غیر رقابتی و شفاف نبودن برنامه‌های آینده شرکت - است. این موضوع باعث می‌شود که اتکالی به سودآوری گذشته برای ارزش‌گذاری سهام مورد سؤال واقع شود و در عین حال، برآورد سود مورد انتظار سرمایه‌گذاران، به‌ویژه تصمیم‌گیری در مورد افزایش ریسک دشوار شود. قیمت‌گذاری به‌عهده سازمان‌های اداره‌کننده شرکت‌ها و واگذارنده سهام گذاشته شده، بدون آنکه خطرپذیری ناشی از آن مورد ملاحظه قرار گیرد و پوشش حمایتی لازم از این سازمان‌ها برقرار شده باشد. در چنین فضایی، می‌توان انتظار داشت که دستگاه‌های واگذارنده به‌طور ناخودآگاه به سمت دستیابی به حداکثر قیمت در قالب محافظه‌کارانه‌ترین روش‌ها سوق داده شوند.

۶- علاوه بر موانع اجتماعی و سیاسی اصلاح و فروش شرکت‌ها، می‌توان شرایط نامناسب کلان اقتصادی، بازار سرمایه ضعیف و رقیب و علاقه کمتر سرمایه‌گذاران خارجی در کشور را از جمله عمده‌ترین مشکلات در فرآیند واگذاری در کشور نام برد.

۷- در واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی یکی از نگرانی‌های بزرگ خریداران بالقوه، نحوه تأمین ارز لازم برای نرسازی و توسعه شرکت از طریق صنایع خارجی است، زیرا معمولاً در کشورهای در حال توسعه، اخذ وام ارزی از بانک‌های خارجی بسیار مشکل است. در این کشورها معمولاً نرخ تسعیر به‌طور دائم در نوسان است و بانک‌ها اعطای وام را به تعهد و ضمانت دستگاه

ثالثی منوط می‌کنند.

آماده‌سازی شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت برای واگذاری به بخش خصوصی^۵

۱- قبل از واگذاری، لازم است که تجدید ساختار از نظر حقوقی و سازمانی، توأم با تغییرات در شیوه مدیریت، اقدامات مالی و کاهش نیروی انسانی انجام پذیرد، البته در برخی موارد خصوصی‌سازی سبب ایجاد اشتغال می‌شود^۶ و به‌ر حال، اگر نیاز به کاهش نیروی انسانی باشد، بهتر است که این امر توسط دولت انجام گیرد، زیرا دولت بهتر می‌تواند مسایل حقوقی و قانونی آنرا حل و فصل کند.

۲- تسبیل از واگذاری، باید از صرف سرمایه‌های کلان جدید برای نوسازی کارخانه و ارتقای سطح اجتناب شود، زیرا یکی از اهداف واگذاری، تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها و قبول ریسک آن توسط بخش خصوصی است. سرمایه‌گذار بخش خصوصی بهتر از کارکنان دولتی جهت‌گیری سرمایه‌گذاری را تشخیص می‌دهد. اصولاً این سرمایه‌گذاری‌ها اگر توسط دولت انجام شوند، قیمت فروش را سنگین کرده و بازیافت آنها با مشکل مواجه می‌شود.

۳- فروش نقدی بهتر از فروش نسبه است - حتی اگر رقم فروش پایین‌تر باشد. فروش یکجا رابطه شرکت را با دولت به یکباره قطع می‌کند. در برخی کشورها، شرکت‌ها را با اعتبار دولتی واگذار می‌کنند، زیرا سیستم‌های مالی توانایی لازم را ندارند و برخی از شرکت‌ها به اندازه کافی جذابیت ندارند و خریداران آنها فاقد نقدینگی هستند. گاه فروش بخشی از شرکت و یا سبک کردن دارایی‌های شرکت قبل از واگذاری مفید واقع می‌شود. گاه اعطای اعتبار، به‌ویژه اعتبار خارجی به شرکت کمک بزرگی برای واگذاری است.

* بنا به اطلاعات بانک جهانی، در نیجریه خصوصی‌سازی یک شرکت نساجی سبب شده است که آن شرکت از خطر ورشکستگی نجات یابد تا جایی که این شرکت به سودآوری رسیده و اشتغال آن افزایش یافته و حتی باعث شده است که اغلب محصولات آن صادر شود و سهم عمده‌ای از بازار داخلی را بدست آورد. علت این موفقیت، واگذاری اغلب سهام به یک شریک متخصص بخش خصوصی است. البته این قبیل موارد مستلزم کمک دولت و کارگزاری‌ها (از جمله بانک جهانی) برای ایجاد محیط مناسب و انجام معاملات به‌نحوی موفقیت‌آمیز است.^۶

۴- در کشورهای در حال توسعه غالباً دولت نمی‌تواند برای حفظ تعدادی از مشاغل در شرکت‌های زیان‌ده یارانه بپردازد. انحلال شرکت‌های زیان‌ده خصوصی یا دولتی، دارایی آنها را برای کاربردهای بهتر آزاد کرده و باری را از دوش بودجه دولت برمی‌دارد و اجازه می‌دهد که سرمایه‌گذاری کارآمدتر و ایجاد مشاغل در جای دیگر امکان‌پذیر شود، ضمن اینکه روند انتقال یارانه‌های علنی و مخفی از بودجه عمومی دولت به این شرکت‌ها متوقف می‌شود.

۵- به‌منظور شفاف‌تر شدن واگذاری‌ها می‌توان موارد زیر را در مدنظر قرار داد: تعیین حساب‌برسان مستقل بین‌المللی برای تهیه گزارش‌های مالی شرکت - تشکیل بانک‌های سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری آن‌ها به‌عنوان مشاور برای اداره مشارکت‌های عمومی در فرآیند خصوصی‌سازی شرکت، در این راستا استراتژی فروش و نیز ارزش سهام شرکت تعیین می‌شود - دریافت برنامه‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال از متقاضیان خرید.

۶- اراده قوی در بالا(دولت)؛ خصوصی‌سازی‌های موفق معمولاً با مخالفت گسترده‌ای مواجه هستند^۷ و رییس هیأت دولت تنها چهره سیاسی قوی‌ای است که قدرت کافی برای حل تنش‌های ناشی از توزیع مجدد انبوه ثروت و قدرت را دارد.

۷- مقررات زدایی و رقابت قبل از خصوصی‌سازی؛ ایجاد رقابت، منطبق وجودی خصوصی‌سازی است، بنابراین، قوانین موجود باید آنرا تشویق کنند. واحدهای خصوصی وقتی که به قدرت بازار متکی شوند و نه به انحصارات دولتی، آنگاه مؤثرتر عمل خواهند کرد.

۸- شفافیت در برگزاری مزایده و مذاکره؛ در فضایی که شفاف نباشد، مزایده معنی منطقی نخواهد داشت و این امر ارزش وجودی مزایده را متلاشی خواهد کرد و نفرت سیاسی داخلی را نیز برخواهد انگیخت (مطمئن‌ترین راه برای فسخ یک معامله این است که هر کس باید بتواند آنچه را که در مورد مذاکره با دولت روی می‌دهد و آنچه را روی داده است، و جایگزین‌ها را پیدا کند) در فضای محرمانه، واقعیت‌های خطرناکی می‌توانند ظاهر شوند. تجربه واگذاری شرکت‌های سیمان در پاکستان نمونه بارز در این خصوص می‌باشد. یکی از بستگان دولت قبلی پاکستان، مزایده سیمان را بُرد. ایشان بالاترین مزایده را با سود اساسی پیشنهاد داده بود. و ضمناً سابقه طولانی در بازرگانی سیمان

SALE



▲ بعضی از کشورها برنامه خصوصی سازی خود را با فروش واحدهای فاقد کارایی شروع کرده اند.

داشت و با شرکت های بزرگ سیمان در اروپا هم همکاری داشت. اما این امر مشکلاتی را در پی داشته است. به عبارت دیگر، فروش های غیررقابتی و بدون مزایده و یا به قیمت تمام شده کمتر از واقع، سبب ثروتمند شدن افراد دارای نفوذ می شود، حتی اگر افراد دارای نفوذ از امتیازات خاصی برخوردار نشوند، باز هم عدم برگزاری مزایده به مفهوم این است که افراد اصلح فرصت خرید شرکت ها و استفاده تولیدی بهینه از آنها را نداشته اند.

۹- در بعضی مواقع خارجی ها بهتر از داخلی ها هستند. در جایی که تنها خریداران داخلی هستند (مدیران و کارگران)، خصوصی سازی می تواند ضعیف عمل کند، زیرا داخلی ها بیشتر علاقه به حفظ مشاغل خود دارند و کمتر به تجدید ساختار شرکت علاقه نشان می دهند. برخی از دولت ها در واگذاری، محدودیت هایی از قبیل عدم فروش سهام به افراد خارجی را قایل می شوند. اگر دولت بخواهد که بدون لطمه زدن به بازار بر این مشکلات فائق آید، می تواند مقداری «سهام طلایی» برای گروه های خاص یا دولت نگهداری کند. یا فروش بخشی از سهام به یک سرمایه گذار خارجی را با واگذاری گسترده مابقی سهام به کارکنان و شهروندان آن کشور توأم سازد.

۱۰- قوانین خوب اوراق بهادار، گزارش مالی و حمایت از سهامداران اقلیت اهمیت اساسی دارد. بسیاری از کشورها سعی می کنند که قبل از وضع قوانین لازم، شرکت ها را به فروش برسانند. این امر تأخیرهایی را در پی دارد، معاملات را کند می کند و عدم اطمینان زیادی را برای سرمایه گذاران به وجود خواهد آورد.

۱۱- دولت هایی که قصد واگذاری واحدها و بنگاه های خود را دارند، در ابتدای امر باید از مشاوران خوب و آگاه بهره ببرند و بدانند که چه کار باید بکنند. به عبارت دیگر، باید کار خصوصی سازی را به دست بخش خصوصی بسپارند. یک خصوصی سازی خوب و کامل مستلزم مشاوران آگاه، وکلا، کارگزاران و تکنوکرات ها است. دولت ها به تنهایی ساختار معامله کردن درست را نمی دانند.

۱۲- دولت ها باید بهترین قدم ها را در امر واگذاری بردارند. شروع خصوصی سازی واحدهای دولتی از طرف دولت ها برای سرمایه گذاران جالب توجه خواهد بود، لذا برای شروع موفقیت آمیز، برنامه های اعتباری خصوصی سازی بسیار ضروری و حیاتی است.

به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی بیشتری را جذب کرده‌اند.

۲۱- در امر واگذاری شرکت‌ها باید از دریافت ضمانت اجتناب کرد.

۲۲- از واگذاری شرکت‌های دولتی به منظور

○ تجربه مسرخصه اول خصوصي سازي نشان مي دهد كه تغيير مالكيته شركت‌هاي دولتي از طريق بورس، مذاكره و مزايده نتوانسته است هدف‌هاي اوليه را برآورده سازد.

پیش دریافت برای متوازن کردن بودجه استفاده نکنید.

۲۳- وقتی بانک‌ها را خصوصی می‌کنید، با دقت بسیار معامله کنید.

۲۴- تسریع در اصلاحات ساختار اقتصادی کشور و هماهنگی سرعت این اصلاحات با سرعت متناسب در فرآیند خصوصی‌سازی بسیار کارساز است.^{۱۱}

منابع و مأخذ

- ۱) نشریه واگذاری شرکت‌های دولتی / شماره‌های مختلف / سازمان صنایع ملی ایران / سال ۱۳۷۲.
- ۲) اصلاحات بنگاه‌های دولتی / گزارش بانک جهانی / ۱۹۹۶.
- ۳) رجوع شود به مأخذ شماره یک.
- ۴) بانک جهانی / ابراهیم الوان / برنامه خصوصی‌سازی در پاکستان / سال ۱۹۹۲.
- ۵) رجوع شود به مأخذ شماره یک.
- ۶) رجوع شود به مأخذ شماره دو.
- 7) Euromoney / March / 1999.
- 8) Pakistan Privatization Program / The World Bank / 1992.
- ۹) رجوع شود به مأخذ شماره هفت.
- ۱۰) رجوع شود به مأخذ شماره یک.

سختی کار (شغلی) برای تأمین نیازهای آنها باعث کاهش تناقض‌ها خواهد شد.

۱۶- فعالیت در زمینه واگذاری در شرکت‌های متزلزلی که نمی‌توانند بازده سرمایه‌گذاری را بازگردانند، دعوت آشکاری است برای سوء استفاده.

۱۷- یک سهم پسماند را نگه ندارید.^۹ صندوق اموال فدرال روسیه به‌عنوان مثال ۲۵ درصد از اموال فدرال بزرگ موجود خود را به امید تحقق درآمد بیشتر بازگرداند، اما درآمدهای بیشتر هرگز تحقق نیافت و این سهم‌های پسماند منجر به فساد در معاملات وام برای فروش به بانک‌های داخلی بزرگ شدند.

۱۸- بگذارید بازار قیمت را تعیین کند. دولت‌ها آمادگی ندارند که قضاوت ارزشی داشته باشند. کره جنوبی انبوه زیادی از سهام را به بانک‌های خود فروخت و سپس سعی کرد تا بانک ستول و فرست کره را خصوصی کند، اما دولت همچنین پول خود را بازگرداند. این مسأله

○ اعلام ناگهانی خصوصي شدن يك واحد توليدي، قدرت تفكر را از كارگران مي ربويد و آنها را به واكنش وامي دارد.

هم بدان علت روی داد که دولت بیش از آنچه بانک‌ها می‌ارزیدند، سرمایه‌گذاری کرده بود.

۱۹- تعداد مزایده‌گذاران مشروع را محدود نکنید. افزایش تعداد مزایده‌گذاران منجر به قیمت‌های بالاتر و بهبود شانس برانگیختن بهترین معامله می‌شود. یک نقش اصلی بانک سرمایه‌گذاری تسویه کردن حساب کسانی است که برای مزایده شایستگی دارند، اما چگونه آنها می‌توانند مزایده‌گذاران متقلب را ریشه کن کنند؟ اعلام یک قیمت برای خریداری اسناد مزایده - اگر قیمت بالا باشد - موجب خواهد شد که متقاضی ضعیف کنار برود.

۲۰- خارجی‌ها را مستثنا نکنید. موفقترین خصوصی‌سازان در اروپای شرقی، جمهوری‌های استونی و مجارستان هستند که قویاً سرمایه‌گذاران خارجی را تشویق کرده‌اند و در نتیجه، پول بیشتر و وام‌دهندگان بهتری را پیدا کرده‌اند و اکنون شرکت‌های آنها ترقی کرده است. امروزه شرکت‌های موفق در جمهوری چک آنهایی هستند که سرمایه‌گذاری بیشتری کرده‌اند.

۱۳- در امر واگذاری سریع حرکت کنید، اما نه خیلی شتابزده. چهار سال برای تعیین جزئیات خصوصی‌سازی مدت طولانی است - اگر چه ممکن است از سوی دیگر همین چهار سال هم زمانی کوتاه و ناکافی باشد. برای این منظور دولت‌ها نیازمند یک ممیزی خواهند بود و سپس دولت‌ها بایستی توزیع اطلاعات مربوط به شرکت‌های قابل واگذاری را مهیا کنند. در این رهگذر، دولت‌ها نیازمند و محکوم به جستجوی خریداران شایسته سهام شرکت‌های دولتی خود هستند و نیز دولت‌ها در این راه به پشتکار و سعی و تلاش نیازمند خواهند بود. همه این موارد می‌تواند در عرض ۹ ماه تا یکسال یا حتی بیشتر عملی شود، ضمن اینکه باید توجه داشت که تسجیل در واگذاری و فروش سهام در زمان‌های نامناسب سبب ایجاد سود غیرعادلانه برای خریداران می‌شود.^۸

۱۴- ترازنامه و حساب سود و زیان شفاف (با سود فراوان)؛ یک ذیحساب ممکن نیست بین شرکتی که فروخته می‌شود، با قبل از فروش آن تفاوت قابل شود، زیرا وی مسوول سلامت عملکرد شرکت خواهد بود. اغلب دولت‌ها می‌خواهند یک نقدینگی مثبت و قابل توجه را به هنگام خصوصی‌سازی جذب کنند و خریداران (متقاضیان) هم می‌خواهند که به دارایی‌هایشان افزوده شود. مالکان جدید نیز می‌خواهند که دولت از افراط‌کاری و تحمیل قیمت بیش از حد واحدهای واگذاری خودداری کند.

۱۵- با کارگران واحدهای تولیدی هرچه

○ يك خصوصي سازي خوب و كامل مستلزم وجود مشاوران آگاه، وكسلا، كسلسارگزاران و تكسوكرات‌هاست. دولت‌ها به تنهائي ساختار معامله كردن درست را نمي دانند.

زودتر معامله کنید. تلقی خصوصی‌سازی به‌عنوان یک معامله انجام گرفته و اعلان آگهی‌های حیرت‌انگیز در آخرین لحظات، قدرت تفکر مردم را از آنها می‌رباید. به همین نحو، امکانات جایگزین را هم به کارگران توضیح دهید و پیدا کردن شناخت رجحان‌های آموزشی و نیز سایر منافع را به آنها بشناسانید. اصلاح مزایای



کارگزینان، رمز اطمینان

پرداخت ۱۰٪ سود به حساب‌های با دستور پرداخت



ارائه دهنده خدمات نوین بانکی در ایران
بر اساس مجوز و مقررات
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

آدرس: تهران، خیابان قصیر (بخارست)، شماره ۶
تلفن: ۱۹-۳۱۶-۸۵۵۰۳۱۶ و ۸۵۵۰۶۱۶ فکس: ۸۵۵۰۲۹۱

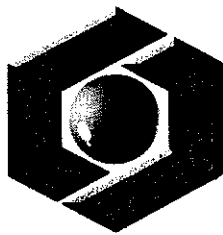
۲، ۳، ۲ امتیاز ویژه ما



فقط

ما می توانیم مشکلات مالی شما را ؟؟؟

۲ بار قرعه کشی قرض الحسنه در سال
۳٪ سود بیشتر به کلیه سپرده های سرمایه گذاری
هر ۲ هزار تومان در هر روز یک امتیاز



مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد
پیشرو در ارائه خدمات مالی و اعتباری

تلفکس روابط عمومی
۸۸۴۵۹۵۳